

وزنه‌برداری

هیئت‌هایی که هنوز بلا تکلیف هستند

شائبه مهندسی انتخابات از سوی رئیس فدراسیون وزنه‌برداری

● بلا تکلیفی برخی هیئت‌های وزنه‌برداری استان‌های کشور و انتخاب‌نشدن رئیس برای آنها، شائبه‌های فراوانی را درباره مهندسی انتخابات رئیس فدراسیون به وجود آورده است. به گزارش مهر، مجمع فدراسیون وزنه‌برداری هفتم اردیبهشت سال آینده برگزار خواهد شد تا صاحبان رای و نظر در این مجمع با آرای خود، یا علی مرادی را در سمت قبلی ابقا کنند یا رئیس دیگری را بر صندلی ریاست فدراسیون قرار دهند. همچنین فرایند ثبت‌نام نامزدهای انتخاباتی برای ریاست فدراسیون وزنه‌برداری طبق قانون باید ۷۵ روز قبل از مجمع انتخابات آغاز شود و افرادی که خودشان را گزینه مناسبی برای در دست‌گرفتن سکان ریاست این رشته پرافتخار و مدال‌آور می‌دانند، وارد گرد شوند. حال با توجه به این مسائل از منابع و محافل مختلف وزنه‌برداری خبرهایی از احتمال مهندسی انتخابات و جیدمان افراد برای کسب آرای بیشتر از سوی علی مرادی به گوش می‌رسد. اظهارات ضد و نقیضی که با توجه به بلا تکلیفی بسیاری از هیئت‌های وزنه‌برداری در استان‌های مختلف و انتخاب‌نشدن رئیس برای اداره آنها، رنگ‌وبوی واقعیت به خود گرفته است. هم‌اکنون از مجموع ۳۱ استان کشور، چیزی حدود یک چهارم کل هیئت‌های استان‌های مختلف توسط سرپرست اداره می‌شوند و برخی از آنها حتی نزدیک به یک سال است رئیس ندارند؛ برای مثال هیئت‌های هیئت‌های استان‌هایی مثل خراسان رضوی، کرمانشاه، هرمزگان، چهارمحال‌وبختیاری، قزوین، ایلام، مرکزی و کهگیلویه‌وبوییر احمد نام برد که همچنان توسط سرپرست اداره می‌شوند. اکثر این هیئت‌ها در حالی محکوم به این وضعیت شده‌اند که برخی منتقدان فدراسیون وزنه‌برداری و شخصی علی مرادی برای در دست‌گرفتن سکان ریاست وارد گود شده بودند و طبیعتا علی مرادی نیز ترجیح داده برای اطمینان در کسب رای از این هیئت‌ها فعلا کار را با سرپرست ادامه دهد، چراکه سرپرست هیئت‌های وزنه‌برداری طبق قانون حق رای ندارند و چه چیزی بهتر این اینکه علی مرادی با این روش مخالف و منتقدان خود در برخی استان‌ها را از حق رای محروم کند. مرادی با خوبی می‌داند انتخاب رئیس در این هیئت‌ها که بعضا از منتقدان او هستند، به معنای از دست‌رفتن رای آن استان و در نهایت رفتن او از عرصه ریاست فدراسیون است. از سویی دیگر مرادی چندان هم بی‌کار نمانده و فقط سرعت انتخاب رئیس هیئت‌هایی می‌رود که مطمئن است رئیس انتخابی از حامیان اوست و می‌تواند در انتخابات مجمع، رای موافق و مورد نظر او را در صندوق بیندازد. آنچه مسلم است طبق اظهارات برخی از اهالی وزنه‌برداری، گویا رئیس فدراسیون در حال مهندسی انتخابات برای کسب آرای لازم و ابقا در سمت خود است و قصد دارد به هر شکل ممکن، سایه سنگین منتقدان خود را از ریاست هیئت‌های استان بردارد. به‌رحال واقعیت این ماجرا هرچه هست، فعلا دلیل تعلل و بی‌توجهی فدراسیون وزنه‌برداری به هیئت‌های بلا تکلیف، همچنان بر اهالی این رشته المپیکی مبهم و عجیب است که همین موضوع بر شائبه مهندسی انتخابات از سوی علی مرادی دامن می‌زند.

ادامه از صفحه ۱۰

حکایت رنگین شیرین

اکنون دوباره به پرسش پیشین بازمی‌گردیم: اگر از کاربردهای دیگر حکایت درگیریم، آن‌گاه، انگیزه کار هنری، چیزی نیست مگر جست‌وجوی همانندی در عشق. روشن است این همانندی نه در بازنمایی سرگذشت، بلکه در کار و کردار رخ می‌نماید. به این سان، در پرتو همانندی در کردار عشق، حکایت را – فرای کاربردهای دیگرش چونان گزارش و بازنمایی هر درون‌مایه‌ای – همچون خود رخداد، پایه بازآفرینی و نگرش بر کار هنری بازمی‌یابیم. در برابر کاربرد حکایت چونان گزارش و بازنمایی رخداد که یادآور پیوستگی کار هنری با چیزی بیرون از خود (گذشته، تاریخ، داستان و…) است، حکایت چونان رخداد، بر یگانگی و بسندگی کار با یی مفشر و زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا هر کار هنری، همچون رخداد، چنان دیده شود که گویی سرچشمه زاینده خویش‌ها و دریافت‌هایی بیرون از چارچوب‌ها و آیین‌مندهای نهادینه‌شده روزابویی و بازخوانی است. از این دیدگاه، می‌توان براهه‌های زمانی کوناگون در کارهای نقاشی ایرج اسکندری را با درون‌مایه‌های چندانگانه حکایت سنجید و نشان داد که کاربردهای چندانگانه حکایت تا چه اندازه، می‌تواند راهگشای بیننده به نگرشی هم‌خوان با درگونی‌ها در بار ه‌ها باشد. حکایت شیرین، بازنمایی رخداد نیست، رخداد عاشقانه را بازنمی‌گوید، خود رخداد است. آنچه در این پرده‌ها رخ داده است، کردار عشق است: کار نقاشی! رخداد نقاشی‌کردن، همچون کردار عشق، هم‌چون حکایت!

جناب آقای محمدرادلان انصاری

با کمال تأسف و تأثر در گذشت پدرگر امیتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد یکتا برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده معزز انصاری صبر و شکیبایی آرزومندیم.
شرکت مهندسی طرح و پالایش

شرق: ورزش زنان ایران دنیایی از مشکلات ریز و درشت است. مشکلاتی که بدون تردید باید گفت از نگاه تبعیض آمیزی که به این قشر از جامعه می‌شود، نشئت می‌گیرد. کمبود بودجه برای برگزاری مسابقات، محدودیت اعزام به مسابقات خارج از کشور، نداشتن مربی طراز اول خارجی، احداث ورزشگاه‌های مختص زنان، همه و همه نمونه بی‌توجهی‌هایی است که به‌وضوح می‌توان در اکثر رشته‌های ورزشی بانوان دید. این بار صحبت از دغدغه‌های بانوان بسکتبالیست است. آسمان خراش‌هایی که به هر دری می‌زنند تا هر طور شده بتوانند در رقابت‌های لیگ شرکت کنند. حمایت ضعیف اسپانسرها از لیگ برتر بسکتبال زنان، شرایط را به گونه‌ای رقم زده که آنها مجبورند برای اینکه در این رقابت‌ها حضور داشته باشند، با هزینه شخصی تیم‌داری کنند. «نارسینا» تیمی است که دختران و زنان تهرانی آن را با هزینه خودشان ساخته‌اند و بدون اینکه رyalی از بخش خصوصی بگیرند، از جیب برایش خرج می‌کنند. اتفاق مهم درخصوص راه‌اندازی تیم «نارسینا» حضور یکی از مربیان سازنده در راس این تیم است.

ندا عسگرنیا کسی است که در ۱۷ سال حضور حرفه‌ای‌اش در عرصه مربیگری بسکتبال بدون اینکه به دنبال منفعتی باشد، به عشق بسکتبال فقط به این شیوه تیم‌داری کرده تا بتواند سهمی در پشتوانه‌سازی بسکتبال زنان ایران داشته باشد. او از سال‌ها حضورش در لیگ بسکتبال بانوان به «شرق» می‌گوید: «متأسفانه عدم حمایت از تیم‌های خانم‌ها در رقابت‌های لیگ باشگاهی باعث شده تا ما به این شرایط روی بیاوریم، من از زمانی که وارد کار مربیگری شده‌ام، به همین صورت در لیگ شرکت کرده‌ام. پیش از این هشت سال سرمربی تیم «نیام» بودم که آن هم با هزینه همهمان شکل گرفته بود.

حسینی:

حق هواداران پرسپولیس به‌راحتی خورده می‌شود

بعد از سوت پایان دیدار پرسپولیس و تراکتورسازی در ورزشگاه آزادی، سیدجلال حسینی برخلاف سایر بازیکنان ترجیح داد با هیچ رسانه‌ای صحبت نکند و در حال سوارشدن به اتوبوس تیم، انتقاداتی را درباره حمایت‌نکردن باشگاه از تیم و هواداران بیان کرد. ظاهراً سیدجلال حسینی از بی‌نظمی‌های اخیر و عدم واکنش صریح روابط‌عمومی باشگاه نسبت به احقاق حق پرسپولیس دلخور است.
تمرین پرسپولیس دیروز برگزار نشد و برانکو ایوانکوویچ با حضور در جمع خبرنگاران اعلام کرد بازیکنان تمیش در اعتراض به پرداخت‌نشدن مطالبات در تمرین حاضر نخواهند شد.
باین‌حال برخی بازیکنان با حضور در سالن وزنه به تمرین اختصاصی و انفرادی پرداختند تا خود را مهیا ادامه مسابقات کنند.

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

سیدجلال حسینی

ورزش



روایت عجیب از وضعیت یک تیم بسکتبال زنان در لیگ

پول روی هم می‌گذاریم و می‌رویم مسابقه

اما بعد از مدتی صلاح دیدیم که این تیم را منحل کنیم، چراکه بازیکنان آن به نقطه‌ای رسیده بودند که دلم نمی‌خواست با این شرایط سخت ورزش حرفه‌ای کنند. آنها رشد کرده بودند و حششان این بود که بروند در تیم‌های مهم‌تر که اسپانسر دارند بازی کنند. من با «نیام» دو بار عنوان نایب‌قهرمانی رقابت‌های سوپرلیگ را بر به دست آوردم. در حال حاضر هم سه‌ساله است که تیم نارسینا را راه‌اندازی کرده‌ام. دو بار در لیگ یک قهرمان شدیم و یک عنوان سوومی هم در سوپر لیگ بر داریم». عسگرنیا اما امسال شرایط سخت‌تری نسبت به دوره‌های قبل برای مربیگری و تیم‌داری در لیگ دارد: «ما چون حامی مالی نداریم، توانایی اینکه یک سالن برای تمرین‌کردنمان بگیریم، نداریم. ما سوله مدرسه خواجه عبدالله را که در خیابان شریعتی است، اجاره کرده‌ایم و در آن تمرین می‌کنیم. اجاره هر ساعت این سوله که غیراستاندارد هم هست، ۱۲۰ هزار تومان است. این سوله را روزهای فرد به ما داده‌اند که عملاً فقط از روزهای یکشنبه و سه‌شنبه از آن استفاده می‌کنیم، چراکه روزهای پنجشنبه بازی‌های لیگ است. شما فکر کنید ما با این مقدار ساعت تمرین چه بازدهی‌ای می‌توانیم در این رقابت‌ها داشته باشیم. اصلاً وضعیت خوبی نداریم. آن قدر تبعیض و کم‌طافی وجود دارد که حتی بدترین ساعت‌ها را برای تمرین‌کردن به ما می‌دهند. ساعت یک بعدازظهر سوله را به ما می‌دهند. بیشتر بچه‌های این تیم رده جوانان‌اند و همه آنها محصل هستند. نمی‌توانند خود را از مدرسه به تمرین برسانند. یکی، دو نفری هم که کارمند هستند با این مشکل مواجه‌اند».

مشکلات بسکتبالیست‌های تیم نارسینا اما به همین خاتم نمی‌شود. جای به ماجرا هزینه‌های زیادی است که آنها باید برای رفت‌وآمد خود به بندرعباس داشته‌یم که به ترتیب برای هر کدام نفری ۴۵۰ و ۵۰۰ هزار تومان پول بلیت قطار و اسکان داده‌ایم. به خاطر گرانی بلیت هواپیما مجبوریم تمام این سفرها را با قطار برویم. مگر بچه‌های دانش‌آموز چه منبع درآمدی دارند. ما در سفر بندرعباس حدود ۲۱ ساعت در راه بودیم. شما فکر کنید یک بازیکن چطور باید بعد از این سفر طولانی مدت بلافاصله خودش را برای رفتن به زمین مسابقه آماده کند».

این مربی بسکتبال زنان دلیل اصلی دغدغه‌های مشکلات مالی ورزش زنان و نگاه محدود به آن را سیستم ورزش کشور می‌داند: «وقتی ورزش زنان دیده نمی‌شود و مسابقات پخش تلویزیونی ندارند، طبیعی است که اسپانسرها تمایلی برای حمایت از ما نشان نمی‌دهند. ما تمام مسابقات را با حجاب و پوششش کامل برگزار می‌کنیم اما مردان این اجازه را ندارند که به سالن‌ها بیایند. حتی حراست سالن در برخی موارد اجازه نمی‌دهند که با وجود محجبه‌بودن بازیکنان فیلم‌بردار و عکاس به داخل سالن بیایند. تا زمانی که ما نتوانیم خیلی قانومند با این قضیه برخورد کنیم، این مشکلات به قوت خود باقی خواهند بود. البته این را باید بگوییم: از زمانی که بسکتبال زنان ما توانسته مجوز حجاب را برای شرکت در میادین بین‌المللی بگیرد، نگاه‌ها در مقایسه با قبل خیلی بهتر شده است. من با توجه به شرایط موجود حرف می‌زنم. سال‌ها درها بسته بوده اما الان می‌بینیم که مردان این رشته خیلی خوب دارند از ما حمایت می‌کنند. آنها به دنبال این هستند که بتوانند معلوماتشان را در اختیار ما قرار دهند تا روند روبه‌رشدتری را داشته باشیم. به هر حال ما الان جزء تیم‌های حاضر در مسابقات آسیایی و جهانی هستیم».

صالحی‌امیری:

تصمیم درباره فوتبال محصول تدبیر وزیر ورزش و کمیته المپیک بود

تصمیم، محصول تدبیر مشترک وزیر ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک بود که با اجرای بی‌کم‌وکاست قانون اینترگران و با کمترین خسارت برای کشور این کار انجام شود. قانون اینترگران ظرفیتی را پیش‌بینی کرده که هرکسی می‌تواند در ورزش و جوانان و کمیته استفاده کند و فضاسازی‌ها یا ناشی از جهل یا بر پایه عناد است. صالحی‌امیری درباره المپیک ۲۰۲۰ نیز گفت: المپیک ۲۰۲۰ از الان آغاز شده و اجلاس آن امروز در توکیو برگزار می‌شود و با نظمی آهنین و منطقی کارها پیش می‌رود. ستاد عالی بازی‌های المپیک و پارالمپیک هم به‌صورت منظم با حضور وزیر ورزش و جوانان برگزار می‌شود و کمیته ملی المپیک بدون هیچ چالشی با وزارت ورزش و جوانان در مسیر المپیک گام برمی‌دارد. از فدراسیون‌ها می‌خواهیم با تمام توان در جهت کسب سهمیه المپیک تلاش کنند.

صالحی‌امیری

امسال شرایط مقداری برای من سخت شد؛ به این دلیل که بازیکنان ملی‌پوش به تراکتورسازی ملحق شدند و همین امر باعث شد تا در بست ما چندین بازیکن طراز اول حضور داشته باشد. هرچند این اتفاق هم انگیزه‌ای شده تا بیشتر تلاش کنم و به ترکیب ثابت برگردم. اما هر زمان که مربی از من بخواهد با کمال میل در خدمت تیم هستم و به عنوان بازیکن حرفه‌ای تبعیت می‌کنم. خدمت سربازی من پایان همین فصل به پایان می‌رسد؛ تا ببینم بعداً چه تصمیمی خواهم گرفت.

بعد از اینکه آقای تقوی به عنوان سرمربی انتخاب شدند، این تصور به‌وجود آمد که ایشان به عنوان مربی موقت هستند تا زمانی که سرمربی جدید معرفی شود. اما با نتایج خوبی که کسب شد، تقوی به عنوان سرمربی ابقا شد. درباره این تغییر صحبت کنید.

بله دقیقاً. از لحاظ کیفی بازی‌های ما بهتر شدند چون آقای تقوی شناخت خوبی از بازیکنان و تیم‌های ایرانی داشتند. با ورود ایشان تغییر سیستم دادیم و تیم کاملاً ته‌اجمی شد. به نظرم به‌مرور سبک فنی ما بهتر از این هم خواهد شد و نتایج درخشانی می‌گیریم تا دل هواداران را شاد کنیم.

سؤال پایانی: آقای توشاک زیاد به شما اعتقاد نداشت با وجود اینکه بازیکن خوش تکنیکی هستید. به نظر می‌رسد با تغییر مربی، شما بیش از سایرین سود کردید چون در حال حاضر در تراکتور تحت مربیگری تقوی، بیش از قبل به شما بازی می‌رسد.
توشاک حقیقتاً شناخت خوبی از بازیکنان ایرانی نداشت و تمرکزش روی بازیکنان جدیدی بود که تازه جذب شده بودند. اما آن‌طور هم نبود که به من اعتقاد نداشته باشد. اما سبک مربیگری توشاک طوری بود که بیشتر به بازیکن فیزیکی و قدرتی اعتقاد داشت تا بازیکن تکنیکی و دریل‌زن. اما در هر صورت من به نظر مربیانم احترام می‌گذارم چون هرکسی سبک خاص خود را دارد. بازی تیم ما با آمدن آقای تقوی، بیشتری روی زمین است و همین امر فرصت را برای بازیکنان تکنیکی فراهم کرده است تا خودشان را نشان دهند.

فوتبال

باخت به عراق در گلومپ مانده است

کی‌روش: مربی بعدی تیم ملی انتخاب شده است

● کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران، روز گذشته به مناسبت عبور از صد پیروزی در دوران مربیگری‌اش نشستگی با سردبیران ورزشی برگزار کرد که در آن درباره مسائل مختلفی صحبت کرد. در زیر خلاصه‌ای از صحبت‌های کی‌روش آورده شده است.

شیرین‌ترین برد و تلخ‌ترین شکست با ایران

در فوتبال پیروزی، بهترین دارو است و هرکدام ارزش خودش را دارد، اما پیروزی مقابل قطر قبل از صعود به جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل و در ادامه پیروزی برابر کره جنوبی در اولسان بهترین پیروزی ما بود، زیرا آن بازی‌ها نقطه بازگشتی برای ما بود؛ نه‌تنها به‌خاطر صعود، بلکه به این دلیل که پشت آن بازی‌ها داستان‌های زیادی بود. همه بردها خوب هستند. مطمئناً کادر من ۱۱ شکستی را که متحمل شدیم، در خاطر دارند، چون بازنده خوبی نیستم و همه آن بازی‌ها را در خاطر دارند. باخت مقابل لبنان و باخت به ازبکستان در تهران از تلخ‌ترین شکست‌ها برای ما بود. فوتبال بدی بازی کردیم و استحقاق برد را نداشتیم.

حسرت خوردن در یک بازی

برای بازی برابر آرژانتین و اسپانیا حسرت می‌خورم؛ در این دو بازی باختیم اما درون خودمان راضی بودیم چون می‌دانستیم کار خوبی انجام دادیم. فوتبال به جزئیات کوچک مربوط است. در شغل ما جایی برای اشتباه نیست، اما فکر می‌کنم بازی‌هایی مثل آرژانتین و اسپانیا و پرتغال که دوری منصفانه نبود، آن باخت‌ها در گلومپ گیر کرده است. باخت مقابل عراق هنوز در گلومپ است. در جام ملت‌های بازی‌های سختی خواهیم داشت. تیم عراق بازیکنان خوبی دارد. امیدوارم در بازی ما و عراق، داور نتیجه را رقم زند.

آینده کی‌روش در ایران

بعد از جام جهانی فکر می‌کردم حمایتی وجود دارد و قرار است پیشنهاد تمدید قرارداد چهارساله باشد، اما متوجه شدم این پیشنهاد تا جام ملت‌هاست. من برنامه‌ام را با فدراسیون ادامه خواهم داد، اما کسانی هستند که نمی‌خواهند من با فدراسیون فوتبال همکاری کنم، چون برای مربیان دیگری برنامه دارند. آرزوی من موفقیت تیم ملی ایران در همه مسابقات است، اما اکنون آرزویم این است که با تیم ملی در فینال جام ملت‌ها حضور پیدا کنم.

مربی بعدی تیم ملی مشخص شده است و فکر می‌کنم همه شما او را می‌شناسید؛ همان که هفته قبل گفت من اخراج می‌شوم و سپس تکذیب کرد! البته الان نوبت جشن است. ما اردویی پیش از جام ملت‌ها در قطر خواهیم داشت و سه بازی با قطر، لبنان، و فلسطین خواهیم کرد. بسیاری از تیم‌ها قبول نمی‌کنند با ما بازی کنند و تیم‌هایی که پیشنهاد ما را می‌پذیرند باید هزینه زیادی برای حضور ایران در ایران پرداخت کنیم.

هدف بعدی کی‌روش

دستیابی به حضور در پنج دوره از جام جهانی اتفاقی است که فقط من و آقای تابارس (سرمربی تیم ملی اروگوئه) می‌توانیم آن را رقم بزنیم. اگر به من اجبار شود که از پیشنهادهای باشگاهی چشم‌پوشی کنم، آرزوی من حضور در پنجمین جام جهانی است و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنم.

مهم‌ترین میراث

برای شخص من دشوارترین کاری که برای انجام آن اجبار داشتم، تغییر تفکر رایج در تیم ملی بود. وقتی به تیم ملی آمدم، بعضی از بازیکنان فکر می‌کردند کارت اعتباری دالم دارند که به‌وسیله آن همیشه در تیم ملی حضور خواهند داشت. وقتی وارد ایران شدم، بزرگ‌ترین چالشی که داشتم، این بود که تا فهرست تیم ملی اعلام می‌شد، یک‌سری از مربیان نزدیک به من یا اصحاب رسانه یا اعضای هیئت‌مدیره می‌گفتند ای وای ما فقط پنج بازیکن از استقلال و پرسپولیس داریم و به مشکل برمی‌خوریم! این بزرگ‌ترین مشکل من بود. فکر می‌کنم بزرگ‌ترین میراث این است که تیم ملی متعلق به کسی نیست و درعین‌حال متعلق به همه است. تیم ملی متعلق به ارزش‌ها و کسانی است که شایستگی حضور در این تیم را دارند. با این تفکر که از تیم قهرمان باید بیشترین بازیکن را دعوت کرد، مخالفم. این تفکر در ذهن من جایی ندارد. افرادی که به این‌گونه روش‌ها پایبند هستند، به تجارت‌های حاشیه توسل دارند یا شجاعت و شهامت لازم برای دعوت از بهترین بازیکنان را ندارند. مطمئناً ما هم اشتباه می‌کنیم و امکان دارد در آینده هم اشتباه کنیم. در سال ۲۰۱۱ که به ایران آمدم، برای دعوت از ۲۳ بازیکن به مشکل برمی‌خوردیم، چون این تعداد بازیکن خوب نداشتم. بزرگ‌ترین میراث این است که کار مربی بعدی برای ۱۰ سال آینده سهل و آسان است. درحال‌حاضر ما حداقل ۳۶ بازیکن داریم که همگی استحقاق و لیاقت لازم برای حضور در تیم ملی را دارند. آقای اوسیمانو تمام موهای خود را برای انتخاب بازیکنان از دست داده و موهای من هم در حال ریختن است، از امروز تا ۲۶ آذر بزرگ‌ترین هدفمان این است که منصفانه‌ترین تصمیم‌ها را برای انتخاب بازیکنان و اسامی نهایی برای جام ملت‌ها بگیریم.